

مادام کوری به نام ماری اسکدوفسکا نام داشت در کودکی مایینا نامیده می شد

بعد به نام شوهرش کوری معروف گردید در خانواده فوق العاده فقیری زندگی می کرد

در لهستان دیده به دنیا گشوده و با تفریح بی پایان و افتخاری ~~بسیار~~ بخاوردان چشم

از جهان بر بست مادام کوری با نوشتن مداوم و عزم استوار روشی شیا

هدف مقدس و انسانی پیش رفت و سر انجام موفق شد با کشف رادیوم خواص

رادیو اکتیو بزرگترین خدمت را به بشریت بکند تا رادیو زندگی این را امید می بیند

و نوشتن خستگی ناپذیر تشکیل می دهد و سرانجام زندگی او مشهور است از گذشت فضیله

عبارة ساختن ها و بیرون برآه ها او که ابتدا در دهه های دور افتاده آموزش کار کودکان و

بیوسته از تهن دست اندیشنگ بود و سرانجام توانست بر ~~سر~~ سند اختراع دانشگاه پاریس

نسیه زد و کلیه طلاهای ~~چند~~ میلیون ها فرانک رادیوم را از دست چارلیک رئیس جمهور

آمریک دریافت کند و بعد از این نابغه ^{بشر} آنرا دست موجب افتخار سر بلند وطنش لهستان

گردید مردم سوئیس انگلستان و فرانسه و آمریکا از او دعوت کردند و مادام استیا ~~بشر~~

و مقدم او را تمام دانشمندی که دوباره در مانت ~~بشر~~ همانزه نوامیاری آورده تمام ~~بشر~~

دوم

و مطالعات علمی خود را با کمک شوهرش کوری انجام می داد. شهرت و افتخار هیچگاه

او را فریفته نکرد و با وجود آن پایه های علمی را در خانه زین که در باغ و ماری کوریا

و همسری و قادر بود تا آن جایکه زندگی مادام کوری همیشه در حال درس خواندن و

تلاش های علمی تمام می بود و احساس بود و به دنبال دلیل مسائل برای پیش

من آید بیشتر فعال و احساس وقایع بران در این خواندن خود به فعالیت در

دادن مشغول شو ما قیامت داشتیم حلقه فوق العاده بسیارش کتاب نقلی است

بیشتر شهرها را حفظ کرد و در مناطق لهستان زندگی می کرد ما نیز مادام کوری به علت

مشکلات بر سر راه زندگی خود و خانواده اش قرار گرفت و بود و شماره افسردگی شدیدی

بود مادام کوری فوق العاده سماجش بدشود بود و به شهر بارین رفت

و در موقع برگشت لشر روسیه به شوشن شیک کرد و زخمی کرده است و دوباره

به لهستان برگشت مادام کوری پدرش بعد از چند سال و چهار فقره نقلی دست

شو باعث شد خانواده اش را بفروشد بعد از چند ماه به دنبال معلم شایگرد در منزلش

نگه دارنده می کرد دارا، چند تنه بود

و نیاز روست داشت به پاریس برود و مدتی دکتر بشیردوم ارز میماند و چون

مستمان برود اما پولش برای تحمل هزینه‌های مسافرتی پاریس کمترین بود و نتوانش

بعد از چند سال نشسته شده و دیگر مادرش را با خود نمی توانست بکشد سید پاییز همان

سال ۱۸۷۳ هم آنجا به بیمار کشید غذا شده بودند و مادام کوری چون بی

پس شد و داشت خوب بدنهای کار می کشید ولی چون سیش هفتاد و هشت سال

داشت قبول نمی کردند بخاطر همین موضوع بود که دچار ناراحتی روحی و اعصابش

و ده بود بخاطر همین بود که به برادرش کمک کرد تا به پاریس برود و از آنجا رفت به بیمار

کارخانه بتو این در یک خانه مشغول به تدریس خصوصی شود و دیگر در آن جا ماند

و دیگر برای خودش باقی مانده است پول و پس انداز می کرد و به برادرش می داد در آنجا

آموزش دائمی در محل که بود انجام داد در چندین سال بود که به تدریس پرداخت

بعد از چند سال برادرش به او نامه داد که دیگر کار پیدا کرده و تقصیلات به پایان رسیده

ومی توانید از دو اج کشید و دیگر برادرش برایش پول بعد از چند سال مادام کوری به دانستگار

ادامه تحصیل رفت

و در آنها به نوشتن مقاله و کتاب و ارسال داستان مختلف پرداخته و معانی یا مدارام
نوری با فردی آشنا شده و قصد ازدواج داشته اند و با هم ازدواج کرده اند به عدت فامیل
همسرش او را مدارام نوری می نامیدند مدارام نوری به عدت داشتند و توان فوق العاده
نمک این بویایی کتبها و بودنش به آزمایشات مختلف دست زد بعد مدارام نوری در
انتر آزمایشات شمیرایی نگرش و س با این هو به همسرش کمک می کرد تا به آزمایشات
مختلف بپردازد و بوظایر همین بوده پس آنچه کشف مختلف به اشعه رادیواکتیو کشف
کرده مدارام نوری در علم پزشکی و هسته ای کمک فوق العاده ای کرده است و تمام
جهانیان مدیون او باشد بزرگ می باشند و رادیواکتیو به درمان مریض
سرطان کمک می کند .